

نکته ای از مراسم یاد بود شادروان القانین

امیرفیض- حقوقدان

یکی از دوستان بسیارخوب قدیمی ام در لوس آنجلس خبری را تلفنی نقل کرد وجویای حقیقت آن شد؛ که چون برای صحبت با تلفن مشکلاتی دارم بهتردیدم که مطلب وشهادت خودرا بتحریر آورم خاصه که موضوع علاوه براینکه واجد جنبه عمومی است احساس تکلیف هم درشهادت به حقیقت در میان است.

خبر چیست

در مراسم یاد بود شادروان حبیب الله القانین در لوس آنجلس درلوحه یاد بود که شرح مختصری از زندگی ونکات برجسته احوالات و اخلاقیات شخص متوفقی نوشته میشود، در لوحه مزبور اتهامی به والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نسبت داده شده، که آن دوست خوب من راجع به صحت وسقم آن از من سوال میکرد.

خبری که درلوحه مزبور نوشته شده براین منوال بوده که والاحضرت اشرف؛ از القانین یک کمک صد میلیون دلاری برای سازمان خدمات اجتماعی درخواست داشته که چون برآورده نشده؛ القانین به سندج برای مدت ۴ ماه تبعید میشود.

خبرطوری تنظیم شده است که برای خواننده خبرچنین متبادر به ذهن میشود که بین درخواست والاحضرت وتبعید القانین رابطه مستقیم وجود دارد یعنی عامل تبعید دستور والاحضرت بوده است.

من از آن جریان وخبر چیزی نمیدانستم وهمان راهم به دوستم عرض کردم؛ ولی فکر کردم که ندانستن من دلیل نبودن واقعه نیست رجوع به شرح حال آقای القانین در انیترنت کردم در ویکیپدیا که شرح حال مفصلی از شادروان القانین دارد، چنان مطلبی را ندیدم ولی در دو جا که ازشرح حال القانین قلم هائی زده شده موردی را دیدم که نزدیک به خبر مزبور است **وبعد هم در ادامه خبر اسناد جاسوسی القانین بنفع اسرائیل را گذاشته است.**

یک مورد

یک مورد خبری است که شخصی بنام واهاران؛ که نمیدانم کیست اینطور نوشته است:

«القانین یک بارنیز قبل ازانقلاب به اتهام صوری گرانفروشی بازداشت شده بود که این بازداشت و تبعید ۵ ماه زندان وتبعید رابرای وی همراه داشت. اصل ماجرا ازاین قراربود که اشرف پهلوی طی دیداری ازسران انجمن کلیمیان تهران خواسته بود به طرح هائی که او درنظرداشته صد میلیون دلار کمک کند که این پیشنهاد طبیعتا با مخالفت ایشان مواجه شد به ویژه که ازچگونگی این طرح و محل خرج پول نیز به صراحت حرفی درمیان نبوده؛ این بود که دوسه روز بعد از این ابراز مخالفت حبیب الله القانین به بهانه گران فروشی دو عدد نمکدان بازداشت وتبعید وزندانی شد که البته این بازداشت ها نهایتا با پادرمیانی چهره های با نفوذ جامعه یهودیان خاتمه یافت.»

مورد دوم

خبری است که انجمن صنایع پلاستیک ایران در اینترنت گذاشته و از این باب است:

«در سال ۱۳۵۴ خورشیدی از سوی دفتر اشرف پهلوی از تنی چند از مسئولان جامعه کلیمی جهت پاره ای مذاکرات دعوت به عمل آمد طی ملاقاتی که هینت همراه مشتمل بر حاج حبیب الله القاتیان ریاست انجمن، یوسف کهن نماینده کلیمیان در مجلس، خاخام بدیدیا شوفط رهبر مذهبی، لطف الله حی نماینده سابق و چند تن دیگر بر رئیس دفتر اشرف پهلوی داشتند، آقای عبدالرضا انصاری طی صحبت هایش راجع به نقش یهودیان در شکوفائی اقتصاد ایران اظهار نظر کرد؛ گفت و الاحضرت اشرف برنامه های اجتماعی و خیریه بسیار مهمی در نظر گرفته اند و مایلند جامعه یهودیان ایران در اجرای این طرح نقش شایسته ای داشته باشند، بدین منظور ایشان خواستار جمع آوری یکصد میلیون دلار توسط انجمن کلیمیان هستند، از آنجا که جمع آوری این مبلغ برای جامعه کلیمی غیرممکن بود و هیچگونه راه حلی برای قبول چنین تکلیفی ارائه نشد، ظاهرا جواب این طرح منفی تلقی شد بعد از دو هفته در ساعت ۷ صبح اخبار رادیو ایران در راس خبرها خبریازداشت حبیب الله القاتیان میلیاردی معروف را منتشر کرد و همچنین همان خبر در روزنامه اطلاعات و کیهان به چاپ رسید.

پس از سه روز پیگیری مشخص شد که حبیب القاتیان به شهر سنج تبعید شده و اتهام وارده به او گران فروشی است و مدت تبعید هم سه ماه در نظر گرفته شده است انعکاس بازداشت وی ضربه غیرمنتظره ای به شمار میرفت ضمن اینکه اینگونه حرکات اثرات ناخوشایندی در روحیه خانواده القاتیان و نیز جامعه یهودیان ایران به جای گذاشت.

بالاخره با پیگیری های انجام شده توسط وکلای القاتیان و دیگر مسئولان جامعه کلیمیان با مراجعه به مراجع قانونی، دفتر اشرف پهلوی و شخصیت های مملکتی پس از دو ماه و نیم حکم برانت او ازدادگاه گرفته شد، حبس القاتیان نشان بارزی از سیاست های نابخردانه اقتصادی محمد رضا پهلوی است.

پس از بازگشت القاتیان از سنج بتهران هنگام ورود به تهران مجددا وی به اتهام گران فروشی دو عدد نمدان پلاستیکی بازداشت و زندانی شد»

نظر و شهادت

*** از هر دو خبر، ارتباط و رابطه سببیت مسل و قطعی بین درخواست و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی برای کمک به سازمان خیریه شاهنشاهی و تبعید القاتیان وجود ندارد >مقارن دو چیز دلیل وجود رابطه سببیت بین آن دو نمیشود.<

با آنکه نویسنده خبر با کاربرد عبارت >سیاست های نابخردانه محمد رضا پهلوی، (با حذف کلمه شاهنشاه و یا شاه ایران)< ماهیت دشمنی خود را با شاه و خانواده سلطنتی نشان داده است معهدا نتوانسته ارتباطی بین تبعید القاتیان و اقدام و یا دستور و الاحضرت برقرار کند.

*** بنده نمیدانم به چه علت القاتیان تبعید شده است ولی آنچه میدانم این است که محال است کسی تا چه رسد به القاتیان که مورد عنایت شاهنشاه ایران بوده و پیشرفتهای صنعتی او مرهون همان عنایت خاصه بوده است و حتی در شرح حال القاتیان هم به توجهات شاهنشاه اشاره شده است برای گران فروشی دو عدد

نمکدان پلاستیکی تبعید شود، نه القانین بلکه هیچ کاسبی بعلت گران فروشی حتی ارزاق مردم تبعید نمیشد و تنها جریمه میشد.

✱✱ آنطور که خبرمیگوید؛ در آن جلسه ادعائی شخصیت هائی مانند آقایان یوسف کهن، نماینده کلیمیان درمجلس، خاخام رهبرمذهبی، لطف الله القانین و تنی چند از شخصیت ها هم حضور داشته اند، آیا هیچیک از آنان به خبری که این خبررسانی منتشر کرده اشاره و شهادتی دارند که خودداری جامعه یهودیان از کمک به سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی سبب تبعید القانین شده است؟ خیر.

✱✱ ما ایرانیها همواره عادت داریم برای ادعای بیگناهی خودمان، اصل اتهام را مخفی کنیم و اتهاماتی کوچک و غیرقابل تعقیب را بهانه اتهام و یا محکومیت خود بسازیم؛ اینکه اتهام القانین چه بود رجوع به پرونده ایشان جواب میدهد نه داستان های جهت دار و ساختگی اینترنتی.

✱✱ اشاره ای درخبرمزبور وجود دارد که میتواند راهی را گشوده سازد، در خبر آمده است که با مراجعه به دادگاه حکم برانت القانین ازدادگاه گرفته شد. این اشاره نشان میدهد که قبلا القانین بموجب حکم دادگاه بتبعید رفته است والا درموردی که بدون حکم دادگاه کسی زندانی و یا تبعید شده باشد، دادگاه بموازات تعقیب شخص خاطی که القانین را تبعید کرده است حکم آزادی القانین را هم میدهد.

✱✱ پس از شورش ۵۷ بی انصافی که بود، خیلی وسیع تر هم شد؛ هر اتهامی یک جوری باید به خاندان سلطنتی وصل میگردید؛ تختی را شادروان والاحضرت غلامرضا میکشد - مرد امروز را والاحضرت اشرف دستور کشتن را میدهد، بد نیست بدانید که در کتابی که ملاها چاپ کرده اند نوشته اند > اشرف پهلوی دخترش آزاده را برختخواب شاه میفرستاد<.

✱✱ خوشبختانه هم جناب آقای عبدالرضا انصاری حیات دارند و هم آقای ثابتی که میتوانند نسبت به صحت و یا کذب خبرهای اینترنتی راهنما باشند.

اما شهادت

شهادت من که در کتاب خاطرات و ماجراهای وکیل دربارهم مورد اشاره قرار گرفته است؛ این است که

والاحضرت ها و والاگهرهائی که بنده افتخار مشاور و وکیل حقوقی ایشان را داشتم نمیدانم از سر احترام نسبت به شاهنشاه بود و یا علل دیگری که بسیار احتیاط و اصرار داشتند که کار برخلافی از ناحیه آنها به استحضار شاهنشاه ایران نرسد.

در کارهائی که با دوائر دولتی و یا وزارتخانه ها لازم بتماس بود این احتیاط از حد معمول هم میگذشت؛ و بنده که در جریان بودم بمراتب بیش از دیگر موکلین احتیاط میکردم زیرا یک دستور اداری بود که هرگاه والاحضرت ها و والاگهرها و یا شخصیت های درباری درخواستی از ادارات دولتی داشتند رئیس آن اداره مکلف بود به مافوق خود گزارش کند و مافوق هم قضیه را به عرض وزیر برساند و وزیر هم برای انجام تقاضای متقاضی از شاهنشاه کسب دستور میکرد.

موارد عدیده ای بنده با این موضوع سروکار داشته ام که در کتاب خاطرات وکیل درباربه برخی اشاره شده است.

اینکه تصور شود که والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بمناسبت رویگردانی القانین و جامعه کلیمیان از کمک، دستوری برای تبعید آقای القانین داده باشند **تصور سخیفی است**؛ زیرا از طریق دادگاه که مسلماً نبوده است زیرا کار دادگاه کار دو یا سه روزه نیست و دوم اینکه **بطور حتم بنده در این جریان نا آگاه نمی ماندم.**

فرض دوم اینکه بدستور والاحضرت، ساواک برنامه تبعید القانین را جور کرده باشد این کار هم محال و ممتنع است زیرا ساواک موضوع را با اطلاع رئیس ساواک میرساند و مطلب به عرض شاهنشاه میرسد و محال بود که با عکس العمل شخص شاهنشاه روبرو نشود؛ زیرا القانین مورد توجه خاص شاهنشاه بود و از طرفی محال و ممتنع بود که والاحضرت چنین دستوری به ساواک داده باشند زیرا ایشان کاملاً از موقعیت القانین در جامعه و نزد شاهنشاه مستحضر بودند و میدانستند که موضوع نمیتواند از آگاهی شاه بدور ماند.

*** والاحضرت اشرف برای رفع گرفتاری آزاده دخترش از راه های غیرقانونی که وجود داشت استفاده نکرد؛ موضوع از این قرار است که شادروان والاگهر آزاده شفیق؛ همسری داشت که معتاد به مواد مخدره و بسیار اسباب آزار والاگهر بود؛ والاحضرت اشرف میتوانستند با استفاده از پلیس شهربانی و یا سازمان امنیت به اتهام مواد مخدر مشکلاتی برای آن جوان فراهم کند که فصل طلاق آزاده ممکن شود، ولی به این راه متوسل نشدند در سفری که به خارج از کشور داشتند و آقای ثابتی هم والاحضرت را تاپای هواپیما مشایعت میکرد؛ والاحضرت به آقای ثابتی میفرمایند به امیرفیض بگویند کار طلاق آزاده را دنبال کند که بنده هم با اخذ وکالت از والاگهر آزاده و رجوع به دادگاه؛ طلاق ایشان را عملی کردم.

ایشان تا آنجا که بنده در جریان قراردادشتم احتیاط بیش از حد در اقدامی میکردند که احتمالاً خلاف قانون باشد، یادم هست در موضوعی که گویا وزیری که سرپرستی اوقاف را داشت به عرض شاهنشاه رسانده بود که والاحضرت اشرف که اموالشان را وقف کرده اند باید اموالشان را تحویل بدهند و این مطلب گویا در حضور والاحضرت و شاهنشاه مطرح شده بود؛ و ایشان یعنی والاحضرت خیلی ناراحت و سراسیمه بودند و بنده را احضار فرمودند و نظرخواستند. نظریه حقوقی که مغایر با نظر وزیر بود عرض کردم کاملاً احساس کردم که از ناراحتی و تالم آزاد شده اند؛ فرمودند این نظر خودت است یا قانون است؛ عرض کردم قانون است، فرمودند ماده قانون را وقتی رفتی دفترت با تلفن پیام بگذار و بنده هم همین کار را کردم.

این تحریر از برگزارکننده مراسم یادبود شادروان القانین درخواست دارد که با اصلاح لوحه، این یادداشت را هم ضمیمه لوحه بفرمایند.

با احترام

+++++

از آنجا که جامعه یهودی و بسیاری از رسانه ها و مردم زیر نفوذ دولت اسرائیل قرار گرفته اند، هر جا موردی پیدا میکنند تا به اعتبار خاندان پهلوی خدشه وارد کنند بیکار نمی نشینند و حتا از مرده ها هم کمک میگیرند. ح-ک